

بررسی الگوی رقابت قدرت‌ها در دریای خزر

چکیده

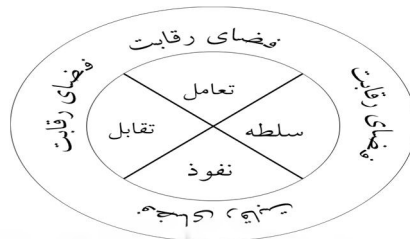
پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، به سبب تغییر در ساختار نظام جهانی و نیز تغییر در جغرافیای سیاسی منطقه خزر، شرایط ژئوپولیتیک جدیدی بر این منطقه حاکم شد. از یک سو، با ظهور کشورهای تازه استقلال یافته شوروی در اطراف این دریا، جغرافیای سیاسی منطقه دچار تغییر شده و به تبع روابط ژئوپولیتیک منطقه نیز شکلی جدید به خود گرفت. از سویی دیگر، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به افزایش تلاش‌های ایالات متحده برای سلطه به مناطق تحت نفوذ شوروی سابق منجر شد. تلاش گسترده قدرت‌های فرامنطقه‌ای؛ به ویژه ایالات متحده امریکا به منظور نفوذ و در نهایت، سلطه بر منطقه؛ و نیز اقدامات قدرت‌های ساحلی و منطقه‌ای، به منظور دستیابی به منافع خود در خزر و جلوگیری از شکل‌گیری نظام تک‌قطبی به رهبری امریکا؛ صحنه‌ای از رقابت را در منطقه خزر سبب گردید. این که این رقابت‌ها چه فضایی را در منطقه خزر ایجاد کرده است، سؤال اصلی پژوهش حاضر است. این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و میدانی و رویکردی توصیفی-تحلیلی به دنبال دستیابی به الگوی رقابت قدرت‌ها در منطقه خزر است و در نهایت، در الگویی از فضای رقابت در منطقه، عوامل موجد رقابت، قدرت‌های درگیر در این منطقه و فضای حاصل از این رقابت‌ها را ارائه می‌کند.

واژه‌های کلیدی: رقابت، قدرت، ژئوپولیتیک، دریای خزر

مقدمه

بخشی از عوامل و سرچشمه‌های قدرت، در جغرافیای هر کشور قرار دارد و از همه مهم‌تر اینکه خصایص جغرافیایی غالباً نقش بنیادین را در شکل‌گیری سایر عناصر قدرت، نظیر: قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی ایفا می‌کند (حافظ نیا، ۱۳۸۹: ۸۴). یکی از مهم‌ترین عناصر جغرافیایی تأثیرگذار در روابط بین دولت‌ها، موقعیت است. موقعیت یک کشور در جایگاه اول اهمیت قرار دارد؛ زیرا عامل تعیین‌کننده در روابط با سایر کشورهاست. اهمیت موقعیت یک کشور با تغییر شرایط تغییر می‌یابد (میلز و مک لاگین^۱، ۱۹۵۷: ۱۶۶-۱۶۷). «مطالعه جغرافیایی روابط بین دارندگان قدرت، مانند حکمرانان ملی یا واحدهای فراملی» به ژئوپولیتیک تعبیر می‌شود. ژئوپولیتیک علاوه بر بررسی روابط بین عوامل جغرافیایی و سیاست یک کشور، به تفسیر وقایع نیز می‌پردازد و می‌تواند تحولات آینده را تحلیل و گمانه‌زنی کند (اوسالیوان^۲، ۱۹۸۶، ۱۵۸-۱۶۰). یک منطقه در جغرافیا هنگامی قابل تشخیص و برخوردار از یک شخصیت جغرافیایی یکپارچه و متمایز از دیگر مناطق است که عوامل پیونددهنده اجزای آن به‌خوبی آشکار و قابل تشخیص و

شناسایی باشد. از نظر محیط فیزیکی باید محیط یکپارچه‌ای باشد یا دست کم دارای ویژگی‌های جغرافیایی یا راهبردی مشابهی باشد (مجتهدزاده، ۱۳۸۹: ۲۳۰). اگر عناصر ساختاری و کارکردی یک منطقه جغرافیایی به صورت انفرادی یا اجتماعی، یا به صورت کامل یا ناقص از بعد سیاسی نقش آفرین شود، منطقه جغرافیایی تغییر ماهیت داده، به صورت یک منطقه ژئوپولیتیک در صحنه ظاهر می‌شود (حافظ نیا، کاویانی راد، ۱۳۸۸: ۷۵). مناطق ژئوپولیتیک به عنوان کانون‌های رقابت بین قدرت‌ها، همیشه حائز اهمیت بوده‌اند. از دید نگارنده، روابط بین قدرت‌ها در مناطق ژئوپولیتیک در بستری از رقابت شکل می‌گیرد. در واقع، فضای حاکم بر روابط، فضای رقابتی است که در تمامی روابط ژئوپولیتیک از تعامل تا سلطه حاکم است.



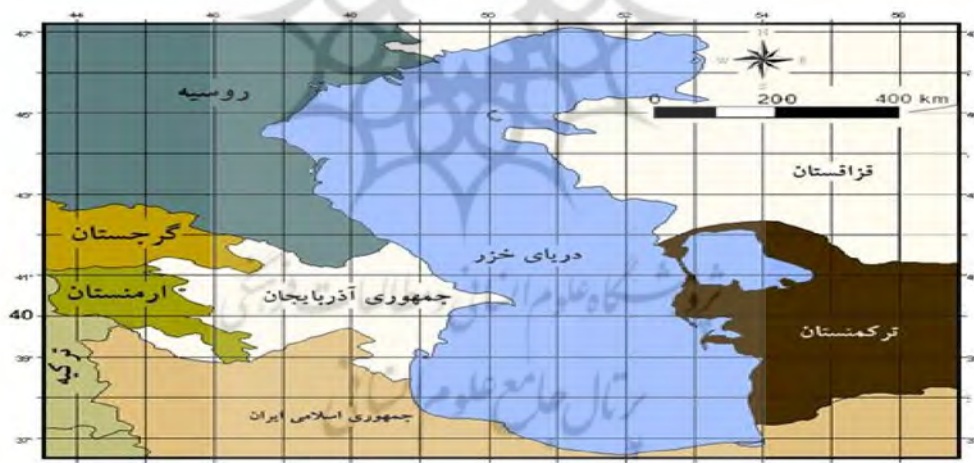
مدل مفهومی روابط ژئوپولیتیک
از نگارنده

شکل ۱) مدل مفهومی روابط ژئوپولیتیک

منطقه ژئوپولیتیک خزر پس از فروپاشی شوروی، به عنوان کانون رقابت قدرت‌های ساحلی، منطقه‌ای و فرماندهی بوده است. موقعیت ساحلی کشورهای حاشیه دریای خزر و قرارگیری بر سر مسیرهای مواصلاتی و اهمیت منابع انرژی و زیستی این دریا، اهمیت این منطقه را دوچندان کرده است. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال کشورهای شوروی سابق، جغرافیای سیاسی منطقه خزر دچار تغییر بزرگی شد. کشورهای ساحلی دریای خزر از دو کشور (ایران و شوروی) به پنج کشور (ایران، روسیه، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان) تغییر یافت و به تبع، روابط ژئوپولیتیک آن نیز دگرگون شد. آنچه بیش از همه بر اهمیت این منطقه می‌افزاید، وجود ذخایر عظیم نفت و گاز در دریای خزر است. حوزه خزر بین دو قطب انرژی خاورمیانه و اوراسیا قرار دارد. همچنین، مساله ژئواستراتژیک خطوط لوله، بازار و وضعیت سرمایه، از عواملی هستند که اهمیت این دریا را دوچندان کرده‌اند (کیارتا و نصیرف، ۲۰۱۲: ۲۸۳). کشور **روسیه** به دنبال حفظ و گسترش منافع پیشین خود در منطقه خزر بوده و از این رو، از یک سو سعی در گسترش نفوذ خود در کشورهای تازه استقلال یافته دارد و از سوی دیگر، به دنبال کنترل افزایش قدرت ایران در منطقه است. بسیاری از کشورهای اروپایی به شدت به منابع گاز روسیه وابسته هستند و این موضوع اهمیت استراتژیک روابط انرژی روسیه با اروپا را افزایش می‌دهد (هاشم^۲؛ ۲۰۱۰: ۲۶۵). جمهوری اسلامی ایران پس از فروپاشی شوروی، موقعیت برتر منطقه‌ای خود را باز یافته. اگرچه ایران موقعیت جغرافیایی و منابع انرژی قابل توجهی دارد؛ اما توانایی نفوذ در منطقه و انرژی و حمل و نقل آن بالقوه است؛ به این دلایل که: ایران فاقد منابع لازم برای توسعه انرژی خود و زیرساخت‌های حمل و نقل

1- Ciarreta & Nasirov
2- Hashim

است؛ دوم، تلاش‌های آمریکا برای منزوی کردن ایران، عامل بازدارنده‌ای برای سرمایه‌گذاری خارجی شده است (توانا و همکاران^۱، ۲۰۱۲: ۳۴۹). آنچه باعث حضور ایران در معادله‌های منطقه می‌شود، قدرت ذاتی و اهمیت استراتژیک آن است (نقیب زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۵). سه کشور تازه استقلال‌یافته آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان؛ به دلیل نداشتن سابقه حکومت ملی و نیز شرایط جغرافیایی حاکم بر آنها (موقعیت بری) به عنوان قدرت منطقه‌ای در خزر محسوب نمی‌شوند و از این رو، به دنبال تغییر و ارتقای جایگاه خود در منطقه، از طریق توسعه اقتصادی (قراردادهای تجاری خارجی، صادرات انرژی، موقعیت ترانزیتی)؛ عقد قراردادهای تجاری با کشورهای اروپایی و شرکت‌های بزرگ نفتی - برای بهره‌برداری از میدان‌های نفتی و انتقال این منابع انرژی به بازارهای جهانی - هستند (سودبرگ و همکاران^۲، ۲۰۱۰: ۷۸۲۸). در این پژوهش سعی شده است با بررسی عوامل موجد رقابت و قدرت‌های درگیر در رابطه رقابتی در منطقه خزر به الگوی رقابت در منطقه دست یابیم. با توجه به سؤال اصلی پژوهش، سؤالات زیر مطرح می‌شود که: چه قدرت‌هایی بیشترین تأثیر را در رقابت در منطقه خزر دارند؟ مهم‌ترین عوامل ایجاد رقابت در منطقه خزر کدامند؟ و با توجه به این سؤالات، فرضیه‌های زیر مطرح می‌شود: الگوی رقابت قدرت‌ها از روابط و مناسبات بین سه گروه؛ قدرت‌های ساحلی خزر، قدرت‌های منطقه‌ای و قدرت‌های فرامنطقه‌ای شکل گرفته است. از میان عوامل ایجاد رقابت، منابع انرژی نفت و گاز، ژئوپولیتیک دسترسی، ژئوپولیتیک لوله‌های نفتی، بیشترین تأثیر را در ایجاد رابطه رقابتی در منطقه خزر دارند.



شکل ۲) نقشه جغرافیای سیاسی منطقه خزر، مأخذ (اداره اطلاعات انرژی آمریکا)^۳

الف) الگوی روابط منطقه‌ای

ساختار روابط درون منطقه‌ای بین اجزا و دولت‌های نظام، تابعی از جایگاه و منزلت ژئوپولیتیک آنها در منطقه و سطح قدرت ملی آنها نسبت به یکدیگر است. کشورها برای دستیابی به اهداف و منافع سیاست خارجی خود مجبور به تمرکز برگستره‌های راهبردی هستند و به منظور حل مسائل سیاست خارجی خود، باید از جغرافیای محدود پیرامونی خارج

1- Tavana & et.al

2- Soderbergh & et.al

3- <http://www.eia.gov/maps/>

شوند و به سایر حلقه‌های مرتبط نیز توجه کنند؛ موضوعی که نتیجه آن شکل‌گیری مفهوم شبکه است. به طور کلی، در شبکه، فضا از ویژگی جغرافیایی صرف خارج می‌شود و به فضایی ارتباطی مبدل می‌گردد که از نوعی سیالیت برخوردار بوده، به طور همزمان گستره‌های جغرافیایی متمایز را در بر می‌گیرد (وایت^۱، ۲۰۰۴: ۱۷۳-۱۷۹). شبکه ژئوپولیتیک از مناطق یا سیستم‌های تابعه ژئوپولیتیک تشکیل شده است. محوریت شکل‌گیری این شبکه بر وجود جریان ارتباطی قدرت محور بین واحدهای مختلف قرار دارد. در واقع، قدرت، محتوای ارتباطات و کانال‌های ارتباطی را شکل می‌دهد که گستره جریان یافته، آن را به شبکه‌ای واحد تبدیل می‌نماید. وجود مراکز متعدد قدرت در گستره‌های جغرافیایی و بی-نظمی سیستم بین‌المللی، سبب شکل‌گیری شبکه فاقد معیار (آزاد) می‌گردد (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۱۲-۱۱۴). شبکه فاقد معیار شبکه‌ای است که کانون‌های منطقه‌ای شکل گرفته‌اند؛ اما به مرحله سامان‌دهی کامل نرسیده‌اند. لذا همچنان قانون توزیع قدرت بر آنها حاکم است. این نوع شبکه از انواع رایج شبکه‌هاست که در حوزه روابط بین‌الملل از کاربرد زیادی برخوردار است. دینامیک‌های منطقه از تعاملات قدرت‌های بزرگ پیروی نمی‌کند (بوزان و ویور^۲؛ ۲۰۰۳: ۴۵۶).

جدول ۱) عوامل و متغیرهای جغرافیایی و ژئوپولیتیک مؤثر بر رقابت

عوامل و متغیرهای جغرافیایی و ژئوپولیتیک مؤثر بر رقابت کشورها	اندیشمندان
تضاد کدهای ژئوپولیتیک	مکیندر، اسپایکمن، ماهان، هانتینگتن، فلینت
برابری نسبی وزن ژئوپولیتیک	مکیندر، کوهن، کانتوری و اشپیگل، والرشتاین
سطوح متوازن قدرت منطقه‌ای، پیرامونی و جهانی	مکیندر، کوهن، اشپیگل، گاتمن، فلینت
منابع جغرافیایی منازعات	کوهن، هانتینگتن، مرشایمر، هاگت، کالینز
درجه بالای استراتژیک فضاها	مکیندر، اسپایکمن، ماهان، کوهن، هاگت
فضاهای ناامن	کوهن، لیک و مورگان، کالینز، گاتمن
فقدان اتحادیه‌های منطقه‌ای	مکیندر، اسپایکمن، کوهن، برژینسکی
درجه پایین امنیت و ثبات منطقه‌ای	کوهن، لیک و مورگان، کانتوری و اشپیگل
بار استراتژیک منطقه	کوهن، مکیندر، اسپایکمن
حکومت‌های ایدئولوژیک	مکیندر، اسپایکمن، هاگت، کالینز

ب) عوامل موجد رقابت

تاکنون پژوهش‌های بسیاری در زمینه روابط بین کشورها و عوامل تأثیرگذار بر رقابت آنها با یکدیگر صورت گرفته است، که مجموعه این عوامل را در جدول بالا مشاهده می‌کنیم. به نظر می‌رسد در الگوهای تبیین یافته، نقش دو عامل در رقابت بین قدرت‌ها مورد توجه قرار نگرفته است: ۱- موقعیت جغرافیایی؛ ۲- مجاورت با سایر مناطق ژئوپولیتیک.

۱- موقعیت جغرافیایی: درحالی که عامل موقعیت جغرافیایی به عنوان یکی از متغیرهای اصلی تأثیرگذار بر روابط مورد تأکید قرار می‌گیرد، اهمیت این عامل در شکل‌گیری الگوی رقابت بین کشورها نادیده انگاشته شده است. عواملی چون: موقعیت بری، موقعیت بحری، موقعیت راهبردی، موقعیت مرکزی و موقعیت حاشیه‌ای، هر کدام می‌توانند عاملی

1- White

2- Buzan & weaver

در جهت شکل‌گیری و یا تشدید رابطه رقابتی در یک منطقه باشند.

۲- مجاورت با سایر مناطق ژئوپولیتیکی: از آنجایی که مناطق ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی همیشه مورد توجه قدرت‌ها بوده است، بنابراین، قرارگیری یک منطقه ژئوپولیتیکی در کنار منطقه ژئوپولیتیکی دیگر، عرصه را برای تشدید رقابت بین قدرت‌ها به منظور کنترل و تسلط بیشتر بر منطقه ژئوپولیتیکی مجاور فراهم می‌کند که نقش بارزی را در رقابت در منطقه مورد مطالعه ایفا می‌کنند.

بر اساس الگوهای روابط منطقه‌ای و جهانی، به نظر می‌رسد بتوان روابط در منطقه ژئوپولیتیکی خزر را بر اساس الگوی شبکه فاقدمعیار تبیین نمود. کشورهای ساحلی خزر به عنوان حلقه‌های ارتباطی منطقه نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری نوع روابط درون شبکه‌ای و برون شبکه‌ای دارند. در منطقه خزر ایالات متحده به عنوان قدرت فرامنطقه‌ای مداخله‌گر به همراه ناتو (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی) سعی دارد با بهره‌گیری از برتری کلی قدرت، روابط ترجیحی واحدها را به سمت خود جلب کند تا بدین وسیله از نقش و نفوذ قدرت‌های ساحلی؛ یعنی ایران و روسیه بکاهد و کنترل منطقه را به دست گیرد (لنسفورد و تاشف^۱، ۲۰۰۵: ۲۸۸). از سویی دیگر، روسیه به عنوان قدرت ساحلی خزر و قدرت منطقه‌ای در آسیای مرکزی و قفقاز به دنبال سلطه در منطقه است و در راستای دستیابی به این هدف، در مقابله با آمریکا به عنوان یک قدرت مداخله‌گر فرامنطقه‌ای روبه‌روست. از سویی دیگر، ایران به واسطه برتری ذاتی اش در منطقه و به منظور دستیابی به جایگاه واقعی اش با سه قدرت روسیه، آمریکا و ترکیه روبه‌روست. ترکیه نیز مانند ایران به دنبال دستیابی به نقش منطقه‌ای است و تلاش‌هایش در این زمینه، در بسیاری از موارد با منافع ایران در تضاد است. مسیر خط لوله از آسیای مرکزی، کلید اهمیت ژئوپولیتیک ترکیه است (اکدمیر^۲، ۲۰۱۱: ۷۲). کشورها (گره‌ها) در خزر، خواهان ارتباط با گره‌هایی هستند که ارتباط بیشتری با یکدیگر دارند؛ چه این گره‌ها قدرت‌های منطقه‌ای (ترکیه) یا فرامنطقه‌ای (امریکا) باشند یا قدرت‌های ساحلی مانند روسیه.

داده‌ها و روش پژوهش

به منظور دستیابی به نتایج موردنظر و انجام شایسته پژوهش از روش‌های مطالعه کتابخانه‌ای و پژوهش‌های میدانی با استفاده از نظرسنجی از خبرگان استفاده شده است. برای شناخت متغیرها و شاخص‌های تأثیرگذار بر روابط رقابتی قدرت‌ها، پرسشنامه‌های مربوط به پژوهش در بین ۱۵۰ خبره علمی دانشگاهی ایرانی و خارجی در رشته‌های جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و مدیریت راهبردی و خبرگان حوزه مطالعات خزر توزیع و ۱۰۰ پرسشنامه گردآوری شد و با استفاده از نرم افزار آماری (SPSS) داده‌ها به صورت آمار استنباطی و به شکل خروجی‌های آزمون تبدیل شده و نتایج آنها بررسی شد و در نهایت، تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات با استفاده از این خروجی‌ها انجام گرفت. سه مرحله برای انجام آزمون فرضیات استفاده شده که در ادامه به توضیح آن‌ها می‌پردازیم:

۱- تست سنجش اعتبار^۱ با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ
 با توجه به مطالب ذکر شده ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از جداول پرسشنامه‌ها به شرح زیر است:

جدول ۲) ضریب آلفای کرونباخ برای متغیرهای پژوهش

ابعاد	آلفای کرونباخ	تعداد گویه‌ها
عوامل موجد رقابت	۰/۷۰۲	۱۳
محصول رقابت	۰/۷۵۰	۷
قدرت‌ها	۰/۷۲۴	۹

میزان آلفای کرونباخ در تمامی متغیرها بیشتر از 0/7 بوده است و درواقع، اتفاق نظر خبرگان در مورد تأیید تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته، با مقادیر آلفای کرونباخ اثبات می‌شود.

۲- آزمون t تک نمونه‌ای^۲ برای بررسی میزان تأثیر متغیرهای مستقل (آزمون t تک نمونه‌ای زمانی استفاده می‌شود که یک نمونه از جامعه داریم و می‌خواهیم میانگین آن را با یک حالت معمول و رایج، استاندارد و یا حتی یک عدد فرضی و مورد انتظار مقایسه کنیم).

۳- آزمون مقایسه میانگین چند جامعه آماری^۳ آزمون توکی برای رتبه‌بندی بین متغیرهای مستقل استفاده می‌شود. با توجه به اینکه طبق آزمون F تفاوت معنی‌داری بین میانگین‌های گروه‌ها وجود داشته است، آزمون توکی را برای این پژوهش انتخاب کردیم تا از طریق آن بتوانیم تفاوت‌های معنی‌دار بین هر یک از زوج میانگین‌ها را بررسی کنیم.

یافته‌های پژوهش

از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ و استقلال یافتن سه جمهوری آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان در اطراف دریای خزر و شکل‌گیری جغرافیای سیاسی جدید در اطراف این دریا، با حضور پنج کشور روسیه، ایران، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان؛ وضعیت ژئوپولیتیک جدیدی نیز بر این منطقه حاکم شده است. در بعد منطقه‌ای، از یک سو قدرت‌های ساحلی این دریا؛ یعنی روسیه و ایران به دنبال دستیابی به برتری و یا حفظ و ارتقای جایگاه خود در منطقه هستند و از سوی دیگر، سایر کشورهای ساحلی به دنبال بهره‌مندی از شرایط ژئوپولیتیک جدید هستند تا از این طریق موقعیت خود را در منطقه تثبیت کنند و به دنبال حفظ استقلال خود و عدم وابستگی به روسیه، از طریق عقد قراردادهای اقتصادی، تجاری و نظامی با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای هستند. در بعد منطقه و فرامنطقه‌ای، قدرت‌هایی، نظیر: ترکیه، چین، ایالات متحده، ناتو، اتحادیه اروپا، اسرائیل و ... به دنبال برقراری روابط بیشتر با کشورهای ساحلی به منظور دستیابی به منافع بیشتر و برتری در منطقه هستند. در بررسی این روابط در منطقه خزر به بررسی عوامل منازعه و همکاری پرداخته و نتایج زیر حاصل شد:

از میان عوامل جغرافیایی و ژئوپولیتیک تأثیرگذار بر روابط بین کشورها می‌توان عوامل جغرافیایی و ژئوپولیتیک زیر

1-Reliability
 2- One-Sample T Test
 3-ONE-WAY ANOVA

را به عنوان عوامل تأثیرگذار بر رقابت قدرت‌ها در منطقه خزر بررسی کرد.

جدول ۳) عوامل جغرافیایی و ژئوپولیتیک مؤثر رقابت در منطقه خزر

عوامل مؤثر بر منازعه	عوامل مؤثر بر همکاری	منطقه خزر	عوامل جغرافیایی و ژئوپولیتیکی
		کدهای ژئوپولیتیک به عنوان پیش‌فرض‌های استراتژیک، عناصر شکل‌دهنده سیاست خارجی کشورها هستند. در منطقه ژئوپولیتیک خزر تلاش قدرت‌های بالفعل و بالقوه منطقه، در جهت افزایش قدرت در منطقه و جهان صورت می‌گیرد که این امر باعث شکل‌گیری سیاست خارجی متضاد نسبت یکدیگر و در نتیجه رفتاری رقابتی می‌شود.	تضاد نسبی کدهای ژئوپولیتیکی
		نوع ارتباط شکل گرفته بین قدرت‌ها به سطح قدرت بین کشورها بستگی دارد. اگر سطحی از توازن قدرت بین کشورهای درون منطقه، بین بازیگر یا بازیگران مسلط نظام منطقه‌ای با بازیگر یا بازیگران مسلط نظام پیرامونی و بین بازیگر یا بازیگران مسلط نظام منطقه‌ای یا بازیگر یا بازیگران مسلط جهانی وجود داشته باشد، به ایجاد و یا تشدید رابطه رقابتی بین کشورها منجر می‌شود. به نظر می‌رسد در منطقه خزر شاهد سطحی از توازن بین بازیگران منطقه‌ای - ایران و روسیه - با بازیگران پیرامونی - چین و ترکیه - با بازیگر جهانی - ایالات متحده - هستیم که به تبع باعث ایجاد و تشدید رابطه رقابتی بین آنها شده است.	سطح متوازن قدرت منطقه - ای، پیرامونی و جهانی
		سه کشور ساحلی خزر؛ یعنی آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان؛ کشورهای محصور در خشکی هستند که امکان دسترسی به آبهای آزاد را ندارند و از این حیث نیازمند کشورهای همسایه خود در زمینه دسترسی و ارتباط با بازارهای جهانی هستند، این ویژگی باعث شکل‌گیری روند خاصی از ارتباطات بین کشورهای ساحلی و در واقع، نوعی وابستگی ژئوپولیتیکی را برای این کشورها سبب شده است.	موقعیت بری
		منطقه خزر به واسطه قرار گرفتن در چارچوب استراتژی‌های منطقه‌ای و جهانی - استراتژی‌های ارتباطی، اقتصادی و.. - و در نتیجه، تأثیرگذاری بر فرایندهای استراتژی جهانی دارای اهمیت زیادی برای کشورهای منطقه و جهان است.	موقعیت استراتژیک (ارتباطی)
		از آنجایی که مناطق ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی همیشه مورد توجه قدرت‌ها بوده است؛ بنابراین قرارگیری یک منطقه ژئوپولیتیکی در کنار منطقه ژئوپولیتیکی دیگر، عرصه را برای تشدید رقابت بین قدرت‌ها به منظور کنترل و تسلط بیشتر بر منطقه ژئوپولیتیکی مجاور فراهم می‌کند. قرار گرفتن منطقه خزر در کنار مناطق ژئوپولیتیکی دیگر، نظیر: منطقه قفقاز، که همیشه مورد توجه قدرت‌های فرامنطقه‌ای بوده است؛ باعث اهمیت بیشتر این منطقه شده است.	مجاورت با سایر مناطق ژئوپولیتیکی
		مسأله تعیین مرز دریایی کشورهای ساحلی خزر اگرچه می‌توانست به عنوان عاملی در جهت همکاری کشورهای منطقه باشد؛ اما به صورت عامل بسیار مهمی در جهت شکل‌گیری مناسبات سیاسی کشورها به سمت تقابل شده است. با توجه به ویژگی منحصر به فرد دریای خزر به عنوان بزرگترین دریاچه جهان، وضعیت حقوقی آن نیز به طور خاصی دچار چالش شده و کشورهای منطقه هنوز تصمیم مشترکی در زمینه تعیین مرز خود در این دریا نداشته‌اند. البته، توجه به این مهم ضرورت دارد که کشورهای ساحلی خزر - به جز ایران - با مدنظر قرار دادن قوانین بین‌المللی در زمینه مرزهای دریایی - کنوانسیون ژنو - مرزهای دریایی خود را تعیین کرده و در حال حاضر، اقدام به بهره‌برداری از دریای خزر در محدوده مرز خود کرده‌اند.	مرز دریایی
		همان‌گونه که با مطالعه در نظریات دانشمندان و نظریه‌پردازان ژئوپولیتیک - مکیندر، اسپایکمن،	موقعیت

		<p>ماهان، کمپ و...- مشخص شد، منطقه خزر به عنوان یا منطقه دریایی برای سلطه بر منطقه و جهان حائز اهمیت بسیار است. منطقه خزر در نظریه مکنیدر قسمتی از بخش مرکزی هارتلند است که تسلط بر آن باعث تسلط بر جزیره جهانی و در نتیجه حاکمیت بر جهان خواهد شد.</p>	<p>مرکزی</p>
		<p>با توجه به آمار به دست آمده از میزان ذخایر نفت و گاز کشورهای حوزه خزر، پنج کشور منطقه خزر دارای بالاترین رتبه‌های ذخایر انرژی نفت و گاز خزر هستند که در این میان، روسیه و ایران به ترتیب رتبه‌های اول و دوم جهان در میزان ذخایر گاز طبیعی را دارا هستند، و قزاقستان در رتبه ششم جهان قرار دارد(سازمان اطلاعات انرژی امریکا، ۲۰۱۱).</p>	<p>منابع انرژی</p>
		<p>منابع زیستی- محیطی شامل گیاهان و جانوران فراهم کننده مجموعه متنوع گونه‌های یک مکان هستند که هر کدام به علت ظرفیت‌های ژنتیکی و تولیدات اولیه و ثانویه خود، به طور مستقیم یا غیرمستقیم منافع گروه‌های انسانی را تأمین می‌کنند. علاوه بر گونه‌های متنوع گیاهی و جانوری که در سواحل دریای خزر زیست می‌کنند، بیش از ۹۰ درصد از خاویار جهان را تأمین می‌کنند. بر اساس آمار به دست آمده، ذخایر ماهیان دریای خزر رو به کاهش است و این امر نتیجه عواملی، چون: صید بی‌رویه و غیرقانونی، آلودگی زیست- محیطی، ایجاد سد بر روی حوزه رودخانه‌ها و... است(دهقان، ۱۳۸۴: ۴۲-۶۶).</p>	<p>منابع آبرزی</p>
		<p>شاید بتوان دلایل عمده آلودگی دریای خزر را به شرح زیر برشمرد: ۱- آلودگی ناشی از کشتی‌ها؛ ۲- صنایع مستقر در اطراف دریای خزر و حوزه آبریز آن؛ ۳- فعالیت‌های کشاورزی؛ ۴- پالایشگاه‌های نفت و گاز مستقر در حاشیه دریا؛ ۵- اکتشاف و استخراج نفت بدون رعایت اصول زیست- محیطی لازم؛ ۶- ولگا و رودخانه‌های غرب این دریا که منشأ ۸۰٪ آلودگی‌های این دریا هستند. به منظور مقابله با آلودگی خزر در سال ۲۰۰۳، قراردادی زیست- محیطی بین ۵ کشور ساحلی منعقد شد که به شکل‌گیری سیاست‌های منسجم‌تری در رابطه با مسائل زیست- محیطی خزر انجامید. مسأله زیست- محیطی خزر، تنها زمینه‌ای است که در آن توافق نهایی بین ۵ کشور ساحلی حاصل شده است(احمدی پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱-۱۴).</p>	<p>آلودگی زیست محیطی</p>
		<p>اهمیت دریاهای در کسب جایگاه برتر سیاسی و نظامی به حدی است که برخی نظریه‌پردازان مانند "آلفرد تایر ماهان" کنترل بر دریاهای را شرط اصلی برای تبدیل شدن به یک قدرت جهانی دانسته‌اند. به نظر این اندیشمندان، در نزاع بین قدرت‌ها، نیروهایی که در موقعیت دریایی برتری قرار دارند، از امکانات بیشتری برای در دست گرفتن ابتکار عمل برخوردارند. به دلیل قرار گرفتن دریای خزر در کانون منطقه خزر و ارتباط این دریا از طریق دو آبراهه (ولگا- دن و ولگا- بالتیک)، با دریای سیاه و بالتیک و از سوی، ارتباط کشورهای ساحلی آن با دریاهای آزاد اهمیت استراتژیک منطقه را دوچندان می‌سازد.</p>	<p>موقعیت دریایی</p>
		<p>مکان‌های جغرافیایی برتر در هر منطقه از زمین یا فضا در اختیار هر کشوری باشند، به راحتی، رسیدن به اهداف فعلی و آتی آن کشور را تضمین می‌کنند. منطقه خزر به واسطه دارا بودن مناطق استراتژیک، به مکانی برای رقابت قدرت‌ها تبدیل شده است.</p>	<p>درجه بالای استراتژیک فضاها</p>
		<p>امنیت در واقع وجود شرایط مطلوب در جهت حفاظت از ارزش‌ها؛ با به حداقل رسانیدن میزان تهدید خطر است. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، یکی از مسائل مهم در منطقه خزر، وجود اقوام گوناگون در هر یک از کشورهای ساحلی دریای خزر است که این عامل باعث شکل‌گیری منازعاتی در بین این کشورها با یکدیگر یا با دیگر کشورهای همسایه و یا در داخل خود کشورها شده است که کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را نیز دربرمی‌گیرد. منازعات در مناطقی، مانند: چچن- روسیه؛ گرجستان- آبخازیا؛ آذربایجان- ارمنستان؛ آذربایجان- داغستان و... از فضاهای ناامن</p>	<p>فضاهای ناامن</p>

		منطقه به شمار می‌روند (مهرپور، ۱۳۸۸: ۶۸).
		فقدان اتحادیه های منطقه‌ای
		به واسطه عدم منافع مشترک و در نتیجه عدم شکل‌گیری حس همگرایی این کشورها تاکنون اتحادیه‌های منطقه‌ای در منطقه خزر با همکاری پنج کشور ساحلی شکل نگرفته و این عامل زمینه حضور کشورهای فرامنطقه‌ای را در خزر ایجاد کرده است.
	بار استراتژیک منطقه	<p>۱- ژئوپولیتیک دسترسی: از آنجایی که سه کشور تازه استقلال یافته شوروی - قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان - به علت عدم دسترسی به دریاهای آزاد، در خشکی محصور شده‌اند؛ نیازمند کشورهای ایران و روسیه یا سایر کشورهای همسایه خود برای برقراری ارتباط با بازارهای جهانی هستند. در واقع، این ویژگی جغرافیایی محدودیت‌های ژئوپولیتیک را برای این کشورها به همراه داشته است که نتیجه آن وابستگی سیاسی و اقتصادی این کشورهاست.</p> <p>۲- ژئوپولیتیک لوله‌های نفتی: با شکل‌گیری جغرافیای سیاسی جدید در منطقه خزر پس از فروپاشی شوروی و به دنبال آن، کشف منابع انرژی در دریای خزر و شکل‌گیری شیوه‌های جدیدی از روابط اقتصادی کشورهای منطقه - امضای قرار دادهایی به منظور گسترش و بهره برداری از میدانی نفتی با سرمایه‌گذاران خارجی -؛ مسأله انتقال انرژی به بازارهای جهانی مصرف، به چالشی بزرگ بدل گشت. این که کدام مسیر انتقال انرژی دارای صرفه اقتصادی، سیاسی و امنیتی برای کشورهای منطقه و کمپانی‌های سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند باشد؟ کشورهای سرمایه‌گذار غربی و نیز کشورهای دارنده این منابع انرژی مانند آذربایجان مایل به وابستگی به روسیه نبوده و تلاش می‌کنند تا مسیرهای جدیدی را برای انتقال انرژی ایجاد کنند. قدرت‌های بزرگ در این بازی قدرتی که منابع نفت و گاز و خطوط لوله منطقه را کنترل می‌کنند، اهرم اساسی برای برتری و سلطه بر رقبای خود را خواهند داشت (زارعی، ۱۳۸۵: ۴۲) که راه‌اندازی خط لوله باکو-تفلیس-جهان از نتایج آن بوده است. مسیرهای موجود، پیشنهادی، جدید الاحداث یا در دست احداث را می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد: مسیرهای شمالی، جنوبی، شرقی و غربی.</p>

با توجه به جدول ۳، برتری عوامل منازعه در منطقه خزر کاملاً مشهود است. اگرچه برخی از این عوامل - مرز دریایی، موقعیت مرکزی و... - توانایی تبدیل شدن به عاملی در جهت همکاری و ایجاد اتحادیه‌های منطقه‌ای را داشته‌اند؛ اما به عاملی برای منازعه تبدیل شده‌اند.

یافته‌های پژوهش

در این مرحله از پژوهش، هریک از متغیرهای مربوط به عوامل موجد رابطه رقابتی و قدرت‌های حاضر در منطقه خزر بررسی شده و نقش و تأثیر هرکدام از متغیرهای مستقل سنجیده شده تا از طریق تحلیل خروجی‌های آزمون، فرضیات پژوهش آزمون و پذیرش یا عدم پذیرش فرضیات مشخص شود. همچنین، متغیرهای مؤثر بر ارائه الگوی نهایی پژوهش آزمون شده و در نهایت، متغیرهای تأثیرگذار بر رابطه رقابتی تعیین و الگوی نهایی ارائه گردد.

جدول (۴) متغیرها و گویه‌های پرسشنامه

ابعاد متغیرها	گویه‌ها
قدرت‌های منطقه	روسیه، ایران، چین، ترکیه، هند، اتحادیه اروپا، امریکا، ناتو، اسرائیل
عوامل موجد رقابت	تضاد کدهای ژئوپولیتیک، سطح متوازن قدرت منطقه‌ای، موقعیت جغرافیایی و مکانی، فضاهای ناامن، درجه بالای استراتژیک مکان‌ها، مجاورت با سایر مناطق ژئوپولیتیک، فقدان اتحادیه‌های منطقه‌ای، حکومت‌های ایدئولوژیک، مرز دریایی، منابع انرژی، منابع آبی، آلودگی زیست-محیطی، ژئوپولیتیک لوله‌های نفتی و دسترسی.
موقعیت جغرافیایی و مکانی	موقعیت بری (محصور در خشکی)، موقعیت استراتژیکی، موقعیت بحری، موقعیت مرکزی
شاخص‌های محصول رابطه رقابتی	ایجاد و تشدید فضاهای ناامن، پیمان‌های اقتصادی و تجاری، پیمان‌های نظامی-تسلیماتی، ژئوپولیتیک دسترسی و ژئوپولیتیک لوله‌های نفتی، انزوای ژئوپولیتیک کشورهای ساحلی، تحریم‌های اقتصادی-سیاسی، عدم تعیین مرز سیاسی

تأثیر متغیرهای مستقل بر روی متغیرهای وابسته

با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای تأثیر یا عدم تأثیر متغیرهای مستقل مربوط به هر متغیر وابسته سنجش شده است. جدول زیر بیانگر تأثیر یا عدم تأثیر هر کدام از قدرت‌ها در منطقه خزر است.

جدول (۵). آزمون t تک نمونه‌ای برای قدرت‌ها

گویه‌ها	روسیه	ایران	چین	ترکیه	هند	اتحادیه اروپا	امریکا	ناتو	اسرائیل
میانگین	۴/۴۴۰۰	۴/۰۰۰۰	۳/۰۴۰۰	۳/۲۸۰	۲/۲۰۰۰	۳/۶۱۰۰	۴/۵۶۰۰	۴/۰۰۰۰	۳/۶۰۰۰

با توجه به جدول (۵) از میان قدرت‌های نقش‌آفرین در منطقه خزر، تمامی کشورها در منطقه خزر نقش‌آفرین هستند و تنها کشور هند است که با داشتن میانگینی کمتر از سه، کمترین تأثیر را در رابطه رقابتی خزر دارد و در واقع، در شرایط کنونی این تأثیر به قدری کم‌رنگ است که می‌توان آن را نادیده گرفت و در الگوی نهایی نقشی برای هند متصور نشد.

جدول ۶) آزمون t تک نمونه‌ای برای عوامل ایجاد رابطه رقابتی

گویه‌ها	تضاد کدهای ژئوپولیتیک	سطح متوازن قدرت منطقه‌ای	موقعیت جغرافیایی و مکانی	فضاهای ناامن	درجه بالای استراتژیک مکان‌ها	مجاورت با سایر مناطق ژئوپولیتیک	فقدان اتحادیه‌های منطقه‌ای	حکومت‌های ایدئولوژیک	مرز دریایی	منابع انرژی	منابع آبرزی	آلودگی زیست-محیطی	ژئوپولیتیک لوله‌های نفتی و دسترسی
میانگین	۳/۹۶۰۰	۳/۷۶۰۰	۳/۸۴۰۰	۳/۳۶۰	۳/۶۴۰۰	۳/۹۶۰۰	۳/۶۰۰۰	۳/۴۴۰۰	۳/۵۶۰	۴/۵۶۰۰	۲/۸۴۰۰	۲/۴۸۰۰	۳/۹۲۰۰



در جدول (۶)، میانگین تمام گویه‌ها از ۳ بیشتر و در ۲ مورد کمتر از ۳ است. یازده متغیر از ۱۳ متغیر دارای میانگینی بالای ۳ هستند؛ بنابراین، می‌توان گفت که این متغیرهای وابسته از عوامل مؤثر در ایجاد رابطه رقابتی در منطقه خزر هستند و دو عامل -آلودگی زیست- محیطی و منابع آبرزی که دارای میانگینی کمتر از ۳ هستند، در واقع نقش مؤثری بر ایجاد رابطه رقابتی خزر ندارند و می‌توان آنها را به علت عدم تأثیرشان از الگوی رقابت منطقه حذف کرد.

جدول (۷) آزمون t تک نمونه‌ای برای موقعیت جغرافیایی و مکانی

موقعیت مرکزی	موقعیت بحری	موقعیت بری (محصور در خشکی)	موقعیت استراتژیک	گویه‌ها
۳/۲۴۰۰	۳/۸۴۰۰	۳/۸۸۰۰	۴/۲۴۰۰	میانگین

با توجه به میزان میانگین‌ها تمامی متغیرها با داشتن میانگینی بالای ۳، عوامل مؤثر بر موقعیت مکانی و جغرافیایی محسوب می‌شوند.

جدول (۸) آزمون t تک نمونه‌ای برای شاخص‌های محصول رابطه رقابتی

عدم تعیین مرز سیاسی	تحریم‌های اقتصادی-سیاسی	انزوای ژئوپولیتیک کشورهای ساحلی	ژئوپولیتیک دسترسی و ژئوپولیتیک لوله‌های نفتی	پیمان‌های نظامی - تسلیحاتی	پیمان‌های اقتصادی و تجاری	ایجاد و تشدید فضاهای نامن	گویه‌ها
۳/۱۶۰۰	۳/۴۰۰۰	۴/۴۴۰۰	۳/۸۸۰۰	۳/۹۲۰۰	۳/۴۰۰۰	۳/۸۴۰۰	میانگین

جدول (۸) نشان می‌دهد که تمامی شاخص‌های با دارا بودن میانگینی بالای ۳، محصول رابطه رقابتی خزر هستند و این بدان معنی است که تمامی این عوامل در شکل‌گیری الگوی نهایی مؤثرند.

تعیین قدرت‌های درگیر در منطقه و میزان تأثیر آنها در ایجاد فضای رقابتی منطقه

به منظور دستیابی به پاسخ این سؤال که کدام یک از قدرت‌ها در منطقه خزر با یکدیگر به رقابت می‌پردازند، جدولی از نام تعدادی از کشورها در اختیار خبرگان قرار گرفت و از آنها خواسته شد که درجه تأثیرگذاری هر کدام از کشورها را به نسبت میزان اهمیتشان بر رقابت در منطقه خزر تعیین کنند. این کشورها عبارتند از: روسیه، ایران، ترکیه، امریکا، ناتو، اتحادیه اروپا، اسرائیل و چین.

آمار حاصل از نظرسنجی از راه آزمون مقایسه میانگین‌ها، از طریق جداول خروجی زیر قابل تحلیل است. بنابراین، با توجه به سؤال پژوهش:

فرض صفر = تفاوت معنی‌داری بین کشورها از نظر میزان تأثیرگذاری‌شان بر فضای رقابتی خزر وجود ندارد.
فرض جایگزین = حداقل بین یکی از کشورها نسبت به سایر کشورها تفاوت معنی‌داری از نظر میزان تأثیرگذاری بر فضای رقابتی خزر وجود دارد.

جدول ۹) تحلیل واریانس میزان تفاوت تأثیرگذاری کشورها بر فضای رقابتی خزر

وارینانس بین گروهی	وارینانس درون گروهی	اف	سطح معناداری
۴۳۷/۰۴۹	۶۲۸/۲۸۰	۷۷/۴۷۶	/۰۰۰

با توجه به اینکه مقدار سطح معناداری $= ۰/۰۰۰$ است و این مقدار از سطح آلفای $۰/۰۵$ کمتر است؛ بنابراین، می‌توان گفت که فرض صفر رد شده و فرض جایگزین که وجود تفاوت معنی‌دار را در میزان تأثیر، حداقل در یکی از قدرت‌ها نشان می‌دهد، پذیرفته می‌شود. خروجی دوم جدولی است که قدرت‌ها را با توجه به میزان اثربخشی‌شان طبقه‌بندی کرده و در گروه‌های متفاوت قرار می‌دهد:

جدول ۱۰) گروه‌های همگن

ارزش عددی گویه‌ها از دید خبرگان آزمون توکی						فراوانی	کشورها
آلفا = ۰/۰۵							
۶	۵	۴	۳	۲	۱		
					۲/۲۰۰۰	۱۰۰	هند
				۳/۰۴۰۰		۱۰۰	چین
			۳/۲۸۰۰	۳/۲۸۰۰		۱۰۰	ترکیه
		۳/۶۰۰۰	۳/۶۰۰۰			۱۰۰	اسرائیل
	۳/۹۰۰۰	۳/۹۰۰۰				۱۰۰	اتحادیه اروپا
	۴/۰۰۰۰					۱۰۰	ایران
	۴/۰۰۰۰					۱۰۰	ناتو
۴/۴۴۰۰						۱۰۰	روسیه
۴/۵۶۰۰						۱۰۰	امریکا
۰/۹۸۵	۰/۹۹۶	۰/۲۲۱	۰/۱۵۱	۰/۵۲۹	۱/۰۰۰		سطح معناداری

اطلاعات جدول (۱۰)، شش گروه یا طبقه از قدرت‌ها را نشان می‌دهد. در گروه ۱: کشورهای روسیه و ایالات متحده آمریکا قرار دارند که با توجه به میانگین بالایی که نسبت به سایر قدرت‌ها دارند، بیشترین تأثیر را بر شکل‌گیری فضای رقابتی منطقه خزر دارند. در گروه ۲: طبقه‌بندی فوق قدرت‌های ایران و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و اتحادیه اروپا قرار دارند. در طبقه‌بندی ۳: اسرائیل به همراه اتحادیه اروپا رتبه‌بندی شده است و این به دلیل میانگین اتحادیه اروپاست که می‌تواند در هر دو گروه قرار گیرد؛ یعنی میزان اثربخشی‌اش در فضای رقابتی خزر نزدیک به ایران و اسرائیل است. کشور ترکیه در جایگاه ۴ قرار دارد و می‌تواند با اسرائیل از لحاظ اثربخشی بر خزر در یک گروه قرار گیرد. در گروه بعدی کشور چین قرار دارد که به لحاظ نزدیکی میزان میانگینش با ترکیه در یک گروه قرار گرفته است و در نهایت، کمترین میزان اثربخشی بر فضای رقابتی را کشور هند با کمترین مقدار میانگین به خود اختصاص داده است.

بر اساس خروجی این آزمون، می‌توان فرض اول پژوهش را بررسی کرد:

الگوی رقابت قدرت‌ها از روابط و مناسبات بین سه گروه قدرت‌های ساحلی خزر، قدرت‌های منطقه‌ای و قدرت‌های فرامنطقه‌ای شکل گرفته است.

در سطح قدرت‌های ساحلی، کشورهای روسیه و ایران، در سطح قدرت‌های منطقه‌ای، کشورهای ترکیه و چین، در سطح قدرت‌های فرامنطقه‌ای، امریکا و ناتو و اتحادیه اروپا و اسرائیل حضور دارند. با توجه به مقدار میانگین‌ها در سطح قدرت‌های منطقه‌ای، میزان تأثیرگذاری این دو کشور در مناسبات رقابتی در منطقه خزر، کمتر از میزان تأثیر قدرت‌های ساحلی و فرامنطقه‌ای است.

تعیین عوامل مؤثر بر ایجاد رابطه رقابتی در منطقه خزر

عوامل متعددی می‌توانند باعث ایجاد رابطه رقابتی شوند که از آن میان، با توجه به پژوهش‌های انجام شده، عوامل زیر به عنوان عوامل تأثیرگذار بر ایجاد رابطه رقابتی در منطقه خزر مشخص شده (تضاد نسبی کدهای ژئوپولیتیک کشورها، سطح متوازن قدرت منطقه‌ای، پیرامونی و جهانی موقعیت جغرافیایی و مکانی فضاها، ناامن درجه بالای راهبردی فضاها مجاورت با سایر مناطق ژئوپولیتیک فقدان اتحادیه‌های منطقه‌ای حکومت‌های ایدئولوژیک مرز دریایی منابع انرژی منابع آبرزی آلودگی زیست- محیطی مناقشات سیاسی (ژئوپولیتیک لوله‌های نفتی؛ ژئوپولیتیک دسترسی) و در مورد آنها نظر سنجی شده است:

H0= تفاوت معناداری بین متغیرهای مختلف تأثیرگذار بر ایجاد رابطه رقابتی در دریای خزر وجود ندارد.

H1= تفاوت معناداری بین متغیرهای مختلف تأثیرگذار بر ایجاد رابطه رقابتی در دریای خزر وجود دارد.

جدول (۱۱) تحلیل واریانس میزان تفاوت تأثیرگذاری عوامل موجد رقابت در منطقه خزر

سطح معناداری	اف	واریانس درون گروهی	واریانس بین گروهی
۰/۰۰۰	۳۴۵/۴۰	۳۲۰/۹۹۲	۲۹۲/۳۷۳

براساس جدول (۱۱)، که حاصل آزمون توکی است؛ مقدار سطح معناداری = ۰/۰۰۰ است که این مقدار از سطح $\alpha=0/05$ کمتر است. بنابراین، فرض صفر رد می‌شود و پذیرفته شدن فرض جایگزین؛ یعنی تفاوت معناداری بین میزان تأثیر هر یک از متغیرهای موجد رابطه رقابتی در منطقه خزر وجود دارد و این بدان معنی است که برخی از متغیرها بیشتر و برخی کمتر از سایر موارد در ایجاد رابطه رقابتی مؤثرند؛ چنانکه در جدول زیر مشاهده می‌کنیم:

جدول (۱۲) گروه‌های همگن (ارزش عددی گویه‌ها از دید خبرگان آزمون توکی)

سطح آلفا = ۰/۰۵						فراوانی	عوامل ایجاد رقابت
۶	۵	۴	۳	۲	۱		
					۴۸/۲	۱۰۰	آلودگی محیطی
				۹۲۰/۲		۱۰۰	منابع آبی
			۳۶/۳			۱۰۰	فضاهای ناامن
		۴۴/۳	۴۴/۳			۱۰۰	حکومت‌های ایدئولوژیک
		۵۶۰/۳	۵۶۰/۳			۱۰۰	مرز دریایی
		۶۰/۳	۶۰/۳			۱۰۰	فقدان اتحادیه‌های منطقه‌ای
		۶۴۰/۳	۶۴/۳			۱۰۰	درجه بالای استراتژیک فضاها
		۷۶۰/۳	۷۶/۳			۱۰۰	توازن قدرت منطقه‌ای، پیرامونی و جهانی
	۸۴۰/۳	۸۴۰/۳				۱۰۰	موقعیت جغرافیایی و مکانی
	۹۶۰/۳					۱۰۰	تضاد نسبی کدهای ژئوپولیتیک
	۹۶۰/۳					۱۰۰	مجاورت با سایر مناطق ژئوپولیتیک
۴۴۰/۴						۱۰۰	ژئوپولیتیک لوله‌ها و دسترسی
۵۶۰/۴						۱۰۰	منابع انرژی
۹۹۹/۰	۰۶۷/۰	۰۶۷/۰	۰۰۶۷	۰۰۰/۱	۰۰/۱		سطح معناداری

بر اساس مقدار میانگین، هر یک از متغیرها در شش گروه متمایز از یکدیگر قرار گرفته‌اند که بر اساس این طبقه‌بندی و مشاهده مقادیر میانگین‌ها، می‌توان چنین استنباط کرد که متغیرهای منابع انرژی و ژئوپولیتیک لوله‌های نفتی و ژئوپولیتیک دسترسی با دارا بودن بیشترین میزان میانگین در بین متغیرها-4.56: 4.44- بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری رابطه رقابتی در منطقه خزر دارا هستند. نه متغیر دیگر نیز که در چهار گروه مجزا طبقه‌بندی شده‌اند، هر کدام با دارا بودن میانگینی بالای ۳، حکایت از بالا بودن میزان تأثیرشان دارند.

عوامل محصول رابطه رقابتی

عوامل محصول رابطه رقابتی که در واقع شکل‌دهنده فضای کنونی منطقه خزر است، با توجه به آمارهای به دست آمده که به ترتیب اولویت در موارد زیر قابل ذکر است: انزوای ژئوپولیتیک کشورهای ساحلی، پیمان‌های نظامی-تسلیماتی مناقشات سیاسی بر روی ژئوپولیتیک دسترسی و ژئوپولیتیک لوله‌های نفتی تحریم‌های اقتصادی-سیاسی ایجاد و تشدید فضاهای ناامن پیمان‌های اقتصادی و تجاری عدم تعیین مرز سیاسی.

جدول (۱۳) گروه‌های همگن (ارزش عددی گویه‌ها از دید خبرگان آزمون توکی)

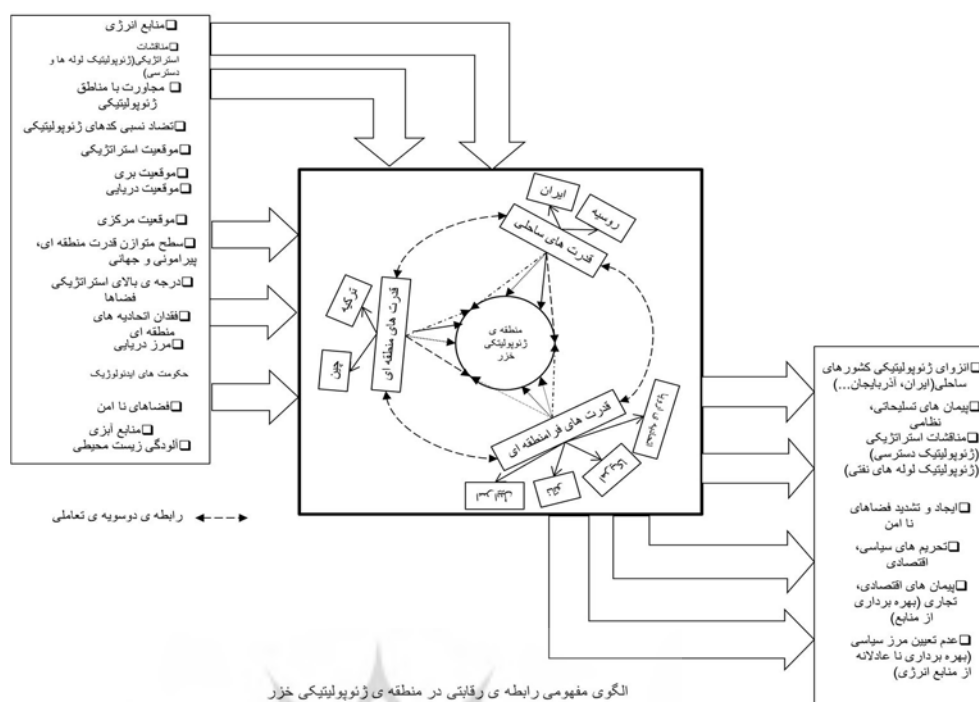
محمول رابطه رقابتی	فراوانی	۱	۲	۳
عدم تعیین مرز سیاسی	۱۰۰	۱۶۰۰/۳		
قراردادهای اقتصادی - تجاری	۱۰۰	۴۰۰۰/۳		
تحریم‌های سیاسی اقتصادی	۱۰۰	۴۰۰۰/۳		
ایجاد و تشدید فضاهای ناامن	۱۰۰		۸۴۰۰/۳	
مناقشات سیاسی بر روی ژئوپولیتیک دسترسی و لوله‌های نفت و گاز	۱۰۰		۸۸۰۰/۳	
پیمان‌های تسلیحاتی - نظامی	۱۰۰		۹۲۰۰/۳	
انزوای ژئوپولیتیک کشورهای ساحلی	۱۰۰			۴۴۰۰/۴
سطح معنی داری		۳۸۷/۰	۹۹۴/۰	۰۰۰/۱

با توجه به آمار جدول (۱۳) عوامل محصول رابطه رقابتی خزر به سه گروه دسته‌بندی می‌شوند که از آن میان گروه اول که در واقع نخستین محصول فضای رقابتی خزر است؛ انزوای ژئوپولیتیک کشورهای ساحلی دریای خزر ذکر شده است، پیمان‌های تسلیحاتی - نظامی در درجه بعدی و پس از آن مناقشات راهبردی بر روی ژئوپولیتیک لوله‌های نفتی و دسترسی قرار دارند. تمامی عوامل ذکر شده با میانگینی بالای ۳، از نقش همه عوامل به عنوان خروجی یا محصول رابطه رقابتی خزر نشان دارد.

الگوی نهایی رقابت قدرت‌ها در منطقه خزر

با توجه به نتایج به دست آمده از مطالعات کتابخانه‌ای و نظر خبرگان، می‌توان الگوی رقابت در خزر را به شکل زیر ترسیم کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۳) الگوی رقابت قدرت‌ها در منطقه خزر

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی نتایج حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل‌های آماری حاصل از نظرسنجی از خبرگان مؤید این مطلب است که: از بین عوامل مؤثر بر رقابت قدرت‌ها در خزر؛ مهم‌ترین عوامل عبارتند از: منابع انرژی، مناقشات استراتژیک بر روی ژئوپولیتیک لوله‌های نفتی و ژئوپولیتیک دسترسی و مجاورت با سایر مناطق ژئوپولیتیک، که می‌توان همسو بودن یافته‌های نظری و داده‌های آماری را به وضوح مشاهده کرد؛ اما نتایج استنباطی حاصل از یافته‌های آماری مربوط به سؤال دوم پژوهش، در مورد مهم‌ترین قدرت‌های درگیر در رقابت در خزر؛ با یافته‌های نظری آن مطابقت ندارد. با توجه به یافته‌های نظری و همچنانکه در فرض اول پژوهش مشاهده می‌شود، از بین قدرت‌های منطقه‌ای درگیر در رقابت، ترکیه و چین بیشترین سهم را در ایجاد رابطه‌ی رقابتی در خزر دارند. تحلیل داده‌های آماری، اگرچه جایگاه تقریباً یکسانی برای این دو کشور در رقابت در منطقه‌ی خزر قائل شده است؛ اما میزان اهمیت نقش این دو کشور را در مقایسه با قدرت‌های ساحلی و فرامنطقه‌ای، ناچیز انگاشته است. مسأله‌ای که به نظر می‌رسد با حقایق موجود در منطقه‌ی خزر در تضاد باشد؛ همچنانکه یافته‌های نظری پژوهش در مورد کشور ترکیه خود گواهی بر این مسأله است. کشور ترکیه به علت دارا بودن موقعیت ترانزیتی از اهمیت بسیار بالایی در منطقه برخوردار است؛ زیرا کنترل هر دو مسیر دریایی باریک بین اروپا و آسیا و مسیرهای زمینی به دریای مدیترانه را در اختیار دارد. متغیر اصلی که آینده ترکیه را تحت تاثیر قرار خواهد داد، تصمیم‌گیری بر روی خطوط لوله‌های انتقال انرژی است که انرژی را بین آسیا و کشورهای اروپایی انتقال می‌دهد. مسیر خط لوله از آسیای مرکزی کلید اهمیت ژئوپولیتیک ترکیه است. همچنین، با توجه به در انزوا قرار گرفتن کشورمان ایران، ترکیه به عنوان کشور میانجی با دخالت در مسائل منطقه‌ای خزر توانسته است نقش و جایگاه برتری را نسبت به کشورهای ساحلی؛ به‌ویژه ایران به دست آورد. این امر شاید به علت جایگاه تثبیت نیافته ترکیه در منطقه است.

جایگاهی که می‌تواند با تغییر دیپلماسی قدرت‌های فرامنطقه‌ای تضعیف شود. این امر مؤید این مطلب است که کشورهای ساحلی به دلیل حضور واقعی (جغرافیایی) در منطقه همیشه می‌توانند در بالاترین جایگاه اهمیت قرار گیرند و این امر منوط به استفاده آنها از برتری‌های ذاتی و فرصت‌های پیش‌روست. همان‌طور که عدم استفاده از چنین برتری‌ها و فرصت‌هایی باعث تضعیف نقش قدرت‌های ساحلی و در نهایت، تقویت قدرت‌های فرامنطقه‌ای خواهد شد. محصول تمامی عوامل موجد رقابت در منطقه و بهره‌گیری از تاکتیک‌های رقابتی بین قدرت‌های درگیر؛ ایجاد فضایی پر از چالش و تنش؛ به ویژه برای کشورهای ساحلی منطقه خزر است که نمونه بارز آن انزوای کشورهای ساحلی خزر؛ به ویژه ایران است. وجود مابغ انرژی و آبی، و همچنین، ویژگی‌های جغرافیای کشورهای منطقه - موقعیت راهبردی، موقعیت بری و بحری و... - در سایه عدم همگرایی‌های منطقه‌ای با حضور تمامی کشورهای ساحلی، به مناقشات سیاسی و راهبردی در زمینه ژئوپولیتیک لوله‌های نفتی و ژئوپولیتیک دسترسی، منجر شده است که تمامی این موارد، منافع کشورهای ساحلی را با خطر مواجه کرده است.

الگوی پیشنهادی رقابت در منطقه خزر با شناساندن عوامل موجد رقابت و نیز قدرت‌های درگیر در رقابت، میزان نقش کشورهای ساحلی را - که به علت حضور جغرافیایی بی‌واسطه در منطقه، به تبع باید بیشترین منافع را دارا باشند - در مناسبات منطقه مشخص نموده و میزان بهره‌مندی آنها را از منافع واقعی‌شان در منطقه بررسی کرده است. عدم به کارگیری دیپلماسی صحیح توسط کشورهای ساحلی خزر در حل مسائل منطقه‌ای، به تشدید عوامل منازعه در منطقه منجر شده و در نتیجه، به حضور بیشتر قدرت‌های فرامنطقه‌ای، دامن زده است. به نظر می‌رسد با نگاهی دقیق‌تر به عوامل بروز رقابت - که در بسیاری از موارد عوامل منازعه در منطقه هستند - و تأثیر اقدامات قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در تشدید عوامل منازعه که در نتیجه به بروز چنین فضای تنش‌آلودی در منطقه منجر شده است؛ بتوان راه حلی مناسب را به منظور دست‌یافتن کشورهای ساحلی به منافع برحقشان در خزر پیشنهاد کرد که همانا در ایجاد همگرایی منطقه‌ای تجلی خواهد یافت؛ همگرایی که با عضویت تمامی کشورهای ساحلی شکل گیرد.

در این زمینه، حل مسأله جغرافیای سیاسی منطقه با استفاده از سیاست‌های واقع‌گرایانه پیشنهاد می‌شود. مسلماً تلاش ایران در این زمینه می‌تواند بزرگترین گام در جهت همگرایی منطقه باشد. استناد به مفاد کنوانسیون دریاها و تعیین مرز دریایی کشورهای ساحلی با توجه به واقعیت‌های جغرافیایی در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد. جمهوری اسلامی ایران باید بداند که پافشاری بر روی سیاست‌های آرمانگرایانه و پیگیری علایق ژئوپولیتیک، نه تنها اهداف کشور را در بلندمدت تأمین نخواهد کرد؛ بلکه سبب از دست رفتن فرصت‌ها و عدم بهره‌مندی از منافع برحقمان در منابع انرژی و آبی خزر خواهد شد.

منابع

- ۱- احمدی‌پور، زهرا و همکاران. (۱۳۸۹). ژئوپولیتیک دریای خزر، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۲۱۰ص.
- ۲- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی، ۳۸۰ص.
- ۳- حافظ‌نیا، محمدرضا و کاویانی‌راد، مراد. (۱۳۸۸). اقیانوس‌های جدید در جغرافیای سیاسی، تهران: سمت، ۲۲۷ص.
- ۴- دهقان، فتح‌الله. (۱۳۸۴). دریای خزر و امنیت ملی، تهران: مؤسسه فرهنگی بشیر علم و ادب، ۲۶۴ص.

- ۵- زارعی، بهادر. (۱۳۸۵). نگرشی بر سیاست خارجی ایران در مناطق ژئوپولیتیک خزر و آسیای جنوبی، تهران: انتشارات بهمن برنا، ۲۹۵ ص.
- ۶- قاسمی، فرهاد. (۱۳۸۷). نگرش شبکه‌ای به مناطق و تحلیل فرایندهای آن از دیدگاه تئوری‌های سیکلی، فصلنامه ژئوپولیتیک، سال چهارم، ش اول، صص ۹۶-۱۲۹.
- ۷- مجتهدزاده، پرویز. (۱۳۸۹). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: سمت، ۳۲۰ ص.
- ۸- مهرپور، مهران. (۱۳۸۸). جایگاه انرژی حوزه دریای خزر در استراتژی امنیت ملی آمریکا پس از فروپاشی شوروی، استاد راهنما علی‌اصغر زرگر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- ۹- نقیب زاده، احمد. (۱۳۸۸). ایران، کانون چند زیرسیستم منطقه‌ای، تهران: مطالعات اوراسیای مرکزی، سال دوم، ش ۵، صص ۱۴۰-۱۶۷.
- 10- Akdemir: I.O: (2011).Global energy circulation: Turkey's geographical location and petro politics: Procedia Social and Behavioral Sciences19,pp:71-80
- 11- Buzan: Barry and Ole Weaver: 2003: Region and Powers: New York: Cambridge University Press.
- 12- Ciarreta: Aitor & Nasirov: SH.(2012). Development trends in the Azerbaijan oil and gas sector : Achivements and Challenges: ENERGY POLICY 40,pp: 282-292
- 13- Hashim: M.S.(2010). Power-loss or power-transition? Assessing the limits of using the energy sector in revivinnng Russia's geopolitical
- 14- Lansford: T and Tashev: Blagovest. (2005). Old Europe New Europe and the U.S: Ash gate: Burlington,pp:184
- 15- Mills: Lennox .A & McLaughlin: Charles H: 1957: World politics in transition: HENRY HOLT AND COMPANY: New York,pp: 216
- 16- O' Sullivan: p.(1986). Geopolitics: London & Sydney: CROOM HELM,pp:146.
- 17- Oderbergh: B.S & Jakobsson: Kristofer & Aleklett: Kjel.(2010). European energy security: An analysis of future Russian natural gas production and exports: ENERGY POLICY33,pp: 7827-7843.
- 18- Tavana: M & Pirdashti: M & Kennedy: D.T :et.al. (2012). A hybrid Delphi-SWOT paradigm for oil and gas pipeline strategic planning in caspian sea basin: ENERGY POLICY 40,pp: 345-360
- 19- White: Dulas r.(2004). Network Analysis and Social Dynamics: Cybernetics and Systems: an International Journal 35, pp: 173-192.
- 20- WWW.EIA.DOE.GOV /COUNTRIES:02:2011
- 21- <http://www.eia.gov/maps/>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی